

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن – المان

جنگِ مذهب

دجال های بهر نفاق و شقاق دین
ظاهر شده چه محشری برپا نموده اند
تخم نفاق شیعه و سنی ، میان خلق
کاریده و ، تجارت بیجانموده اند

گاهی بنام دین و ، گهی قوم و ، گه زبان
هر روز ، فلم تازه نمایش ، برای چه
آتش زدن به خرمن هستی مؤمنین
از بهر پول ، هرسو گرایش ، برای چه

ای تاجران دین ، بترسید از خدا
تاکی تبر به ریشه ادیان می زنید
بابیل و باکلنگ تعصب ز بهر چه؟
قبری برای باور و اندیشه ها کنید

دیوانه های بسته به زنجیر ارتجاع
رقصی به ساز و فتنه انگلیس میکنند
با کوک دست شوم پلیدان اجنبی
تقلید و پیرویی ز ابلیس میکنند

ای جان من ، برادرِ یکتاپرستِ من
هشیار ، تا مباد به راهِ خطاشوی
در انتخابِ باور و اندیشه ، سخت کوش
تا بُت شکسته ، بندهٔ یکتاخداشوی

ای خاور آمده ، طرفِ باختر مرو
ترسم ز شعله های ادب مضطرب شوی
با چهرهٔ جدیدِ خود و ، شهرتِ جدید
نقش و نگارِ فتنه گر ، مُقترب شوی

پاگردکانِ جاهلِ تاریک فکرکان
پالش به کفشِ شهرتِ تو ، مُفت می زنند
لیکن چو بوم و باشه و کلمرغ و کرگسان
نعشِ ترا به دالر و کلدان می گزند

این ناقضینِ خودخوار و خودخواه و خود فروش
دلال و مرده شوی و ، قبرکن به این و آن
هم تاجرانِ مرده و هم کاسبانِ دین
چون باندمافیای سیاسی بد زبان

از پوچ این بگو و مگو ، خسته گوشِ خلق
عقل و خرد ، ز شرم و حیا ، گشته در گریز
دشنام ها ، نثارِ ره دوستان ، چرا
با جهل و با جهالت و با کینه و ستیز

ای دوستان ! بس است دگر جنگِ مذهبی
یک وحدتی ، میانهُ ادیانم آرزوست
گبر و یهود و هندو و ترسا و مسلمین
مخلوقِ یک خدا شده انسانم آرزوست

ایزد یکی و ، بنده چرا ، فرقه فرقه باد
شاید که درکِ آیهٔ رحمان نکرده اند
زانرو فتاده جانِ هم این دشمنانِ حق
فرقِ خدا و بنده و شیطان نکرده اند

« نعمت » حدیثِ عشق بخوان با ملیحِ لحن

مست و خرابِ بادهِ عرفانم آرزو
بر دست جامِ خدمت و بر لبِ شعارِ حب
وحدت میانِ ملتِ افغانم آرزو

(شهرِ اسن - المان، 17 دسمبر 2009)